

بیش آموزش

و تبعات آن

مهدی ابراهیمیان
mehdi.ebrahimiyan@gmail.com

نظام آموزشی در کشور ما دچار آفت بزرگی است که می توان آن را بیش آموزی خواند.

اغلب دانش آموختگان در مقاطع مختلف تحصیلی اذعان دارند که در بسیاری از دوره ها ، وقت خود را برای یادگیری مطالبی صرف نموده اند که در آینده شغلی آنها تاثیری نداشته است و در زندگی نیز از آنها بهره ای نبرده اند ، در واقع وقت خود را بدینگونه "تلف" نموده اند . البته فقر محتوایی نظام آموزشی ، مساله ای دیگر است و لزوماً به بیش آموزی ارتباطی ندارد . چه ، می توان فرض کرد که در نظام آموزشی ، فقر محتوایی وجود داشته باشد و در عین حال ، اذهان دانش آموزان و فراگیران ، از مطالبی غیر ضروری و اضافی انباشته نگردد .

بیش آموزی ، یعنی آموزش فراتر از اندازه ، آموزش بیش از نیاز . اگر هدف از آموزش ، آماده کردن فراگیر برای مواجهه بهتر با موقعیت های مختلف زندگی اجتماعی باشد ، نظام بیش آموز از این هدف منحرف می شود و آموزش را از سطح وسیله به هدف ارتقاء می دهد . بدین ترتیب ، در نظام بیش آموز، تنها به پر کردن اذهان فراگیران از فرمول ها ، اسامی، نقل قول ها ، تواریخ ، و خلاصه حفظیات دیگر پرداخته می شود و اساساً مجال برای فهمیدن باقی نمی ماند . آموزش باید قوه استنباط و نتیجه گیری را در فرد تربیت نماید ، به گونه ای که فراگیر در موقعیت های زندگی واقعی ، خود بتواند تحلیل کند ، بسنجد و تصمیم گیری نماید . اما در اینجا از (بر کردن بر دانستن) و (دانستن بر فهمیدن) ترجیح داده می شود . نیم نگاهی به آزمون های مدارس و دانشگاه ها ، که در آنها بیشتر بر استفاده از فرمول ها ، روابط و دیگر حفظیات تاکید می

شود ، صحت این مدعا را تایید میکند . در این گونه آموزش ، وقت آموزگار و دیگر ارکان آموزشی نیز به هدر می رود ، اما شاید اتلاف عمر آموزگار و فراگیر، در مقایسه با دیگر تبعات بیش آموزی ، کمترین ضرر را داشته باشد . ما برای درک مضرات چنین آموزش هایی ، نباید کار مشکلی انجام دهیم ، بلکه کافی است به دور و اطراف خود نگاهی دقیق بیاندازیم . با چنین آموزش هایی ، قوه ذهنی فراگیران در طی مراحل آموزشی به مرور تحلیل می رود . از آنجا که فراگیر، با آموزش هایی که قوه استنباط و استدلال را در او تقویت کنند مواجه نیست ، به تدریج قوه خلاقیت خود را هم از دست می دهد . حتی ممکن است به او اجازه استفاده از خلاقیت و نو آوری داده نشود ، و اعتماد به نفس او نیز سرکوب گردد . در نتیجه ، بی دلیل نیست که در دانشگاه ها و مراکز علمی ما ، روحیه تحقیق ، جای خود را به عادت ناپسند ترجمه و بازخوانی اندیشه ها داده است . گاهی مشکلات روانی مثل افسردگی هم جای نشاط و شادابی علمی فرد را می گیرد .

ای کاش در مقابل این همه ، ذهن دانش آموز از مطالبی انباشته می شد که فایده ای هم برای او می داشتند . اما افسوس که این آموزش ها تنها برای این است که مراحل مختلف آموزشی طی شوند . اما به مجرد اینکه فرد در موقعیت اجتماعی مورد نظر قرار گرفت ، تازه متوجه می شود که (نقش) اجتماعی جدیدی را به طور ناخودآگاه پذیرفته است، بی آنکه برای (کارکردهای) آن نقش ، آماده شده باشد و یا آموزش های لازم را دیده باشد . بی دلیل نیست که عنوان می شود ، فارغ التحصیلان دانشگاه ها برای ورود به بازار کار ، آماده نیستند و باید آموزش های دیگری هم ببینند ! و یا دوره

های آموزشی ضربتی برای زوج های جوانان تدارک دیده می شود ! چه خوب است ، سخن را با بیانات بزرگان دینمان در این زمینه به پایان ببریم . امام کاظم (ع) در فرمایشی گرانبها، توصیه می کنند که هرگز به فراگیری علمی که ندانستن آن به تو ضرر نمی رساند ، مشغول مشو. امیر مومنان (ع) نیز در تاکید بر حفظ اندازه در فراگیری علوم ، فرموده اند: علم وسیعتر از آن است که بتوان همه آن را فرا گرفت ، پس از هر علمی، بهترین آن را فرا بگیرد .

